

تحلیل اقتصادی قاعده مسئولیت محض و بررسی کارایی آن در حقوق ایران

یداله دادگر*
رضا خودکار**

۱۳۹۴/۱۱/۱۸

۱۳۹۴/۰۶/۰۹

چکیده

در مسئولیت مدنی، مهم‌ترین موضوع مبنایی است که برای مسئولیت انتخاب می‌شود. به نظر می‌رسد دو قاعده مسئولیت مبتنی بر تقصیر و قاعده مسئولیت محض، مهم‌ترین مبنایی مسئولیت به شمار می‌آیند این نوشتار بر آن است کارایی قاعده مسئولیت محض، بر اساس تحلیل اقتصادی حقوق و بر مبنای نظریه اقتصادی استاندارد تولید و نظریه بازی بررسی کنند. و به این پرسش پاسخ داده شود که در چه مواردی این قاعده باید حاکم باشد. همچنین کارایی این قاعده در حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته است. یک یافته این کار آن است که، به‌طور کلی، قاعده مزبور تنها در حوادث یک‌جانبه کارایی دارد. علاوه بر این، در حقوق ایران به علت بی‌توجهی قانون‌گذار، قاعده مزبور به کارایی منجر نمی‌شود. در ضمن در تدوین این مقاله از روش تحلیلی-توصیفی، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و روش عمومی نظریه بازی استفاده شده است.

کلید واژگان

قاعده مسئولیت محض، کارایی، نظریه اقتصادی استاندارد، حقوق ایران.

* استاد اقتصاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

y_dadgar@sbu.ac.ir

** دانش آموخته حقوق اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی.

rezakhodkar@gmail.com

مقدمه

به نظر می‌رسد در مسئولیت مدنی مهم‌ترین موضوع مبنای مسئولیت است؛ زیرا، تعیین عامل زیان و اجبار او به جبران خسارات وارده بر اساس مبنایی است که برای مسئولیت مدنی پذیرفته شده است. علاوه بر این، مبنایی که برای مسئول شناختن انتخاب می‌گردد اثر تعیین‌کننده‌ای درباره اثبات دعوا دارد؛ اگر پذیرفته شود که مبنای مسئولیت تقصیر است بار اثبات دعوا بر دوش زیان‌دیده قرار دارد؛ به دیگر بیان اگر مبنای مسئولیت تقصیر باشد زیان‌دیده می‌بایست تقصیر عامل زیان را اثبات نماید تا عامل زیان مسئول شناخته شود، درحالی‌که اگر برای مسئول شناختن مبنای دیگری انتخاب شود ممکن است وضع تغییر کند؛ به این معنا که عامل زیان مسئول شناخته شود مگر آنکه دلیلی بر عدم مسئولیت خود ارائه نماید.

به‌طور کلی دو مبنا برای مسئولیت مدنی بیان شده است: نخست مسئولیت مبتنی بر تقصیر و دیگری مسئولیت محض. هریک از مبانی گفته شده محاسن و معایب خود را دارا است و نمی‌توان هیچ‌یک را به‌طور مطلق به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی برگزید. بررسی همه‌جانبه این دو مبنا از حوصله نوشتار حاضر خارج است؛ در اینجا تنها قاعده مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق بررسی می‌گردد. در حقیقت در این نوشتار به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که در چه مواردی قاعده مسئولیت محض باید حاکم باشد؟ و با توجه به تحلیل اقتصادی، به این پرسش پاسخ داده می‌شود. تحلیل اقتصادی حقوق در پی یافتن قاعده‌ای است که کارایی داشته باشد. از منظر تحلیل اقتصادی حقوق یک قاعده زمانی کارایی دارد که اهداف تحلیل اقتصادی تحقق یابد.^۱

۱. به‌طور کلی می‌توان سه هدف برای تحلیل اقتصادی حقوق در نظر گرفت:

نخست: هدف اقتصادی مسئولیت مدنی که عبارت است از درونی کردن هزینه‌ها؛ در حقیقت تحلیل اقتصادی حقوق مسئولیت مدنی را وسیله‌ای می‌داند که می‌تواند موجب شود زیان‌رساننده هزینه‌هایی را که به جهت فعالیت زیان‌بار، بر دیگران تحمیل می‌نماید، درونی سازد.

Thomas J. Miceli, *Economic of the Law: Torts, Contracts, Property and Litigation*, New York, Oxford University Press, 1997, (p15).

دوم: بازدارندگی؛ تحلیل اقتصادی حقوق بر خلاف دیدگاه سنتی آینده‌نگر است؛ به این معنا که در پی وضع قاعده‌ای است که از وقوع خسارت و حادثه در آینده جلوگیری به‌عمل آید.

Michael Faure, *Tort Liability in France: an introductory Economic analysis*, *The Economic of Legal Relationship: Law & Economic in Civil Law Countries*, Bruno Deffains & Thierry →

و انگیزه‌های لازم برای اتخاذ تدابیر پیشگیرانه‌ای که هزینه‌های اجتماعی کل را به حداقل می‌رساند، فراهم گردد.^۱ از این‌رو، قاعده مسئولیت محض زمانی باید حاکم باشد که از منظر تحلیل اقتصادی حقوق کارایی داشته باشد. نکته دیگری که لازم است مورد توجه واقع شود این است که تحلیل حاضر بر مبنای نظریه اقتصادی استاندارد تولید و نظریه بازی استوار گردیده است.^{۲ و ۳}

به‌منظور بررسی شایسته موضوع ابتدا به تحلیل اقتصادی قاعده مسئولیت محض، فارغ از مقررات قانونی، پرداخته می‌شود؛ در قسمت بعدی قاعده بالا در حقوق ایران مورد مطالعه قرار می‌گیرد و قسمت پایانی به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۱. تحلیل اقتصادی قاعده مسئولیت محض

نخستین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در تحلیل اقتصادی حوادث به دو دسته یک‌جانبه و دوجانبه تقسیم می‌شود؛ به‌علاوه هریک از این دو دسته نیز با توجه به تفاوت در سطوح فعالیت به دو گروه تقسیم می‌گردد.^۴ در اینجا ابتدا به تحلیل قاعده مسئولیت محض در حوادث یک‌جانبه پرداخته می‌شود، در گام دوم به تحلیل این قاعده در حوادث دوجانبه خواهیم پرداخت و در گام پایانی قاعده فوق با عنایت به سطوح مختلف فعالیت مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

→ Kirat, London, Elsevier Science B.V, 2004, (pp169-170); Thomas J.Miceli, The Economic Approach to Law, California, Standford University press, 2004, (p.39).

سوم: هدف دیگر مسئولیت مدنی که از آن به هدف اجتماعی تعبیر می‌شود، عبارت از به حداقل رساندن هزینه‌های احتیاط و هزینه‌های مورد انتظار است. به دیگر سخن تحلیل اقتصادی درصدد کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های اجتماعی مطلق است.

Steven Shavell, Foundations of Economic Analysis of Law, Massachusetts, Harvard University Press, 2004, (p.178) & (p.182); Steven Shavell, Economic Analysis of Accident Law, Massachusetts, Harvard University Press 2007, (p.7) & (p.10).

1. Michael Faure, Op Cit, (p171); Thomas J.Miceli, Op Cit, 2004, (p.49).

2. John Prather Brown, Toward an Economic Liability Rule, The Journal of Legal Studies, Vol2, No.2, Chicago, Chicago University Press, 1973, (p.327).

۳. جهت آگاهی از مفاد اصول دیدگاه اقتصادی استاندارد تولید نگاه کنید به: روی، وینتراب، **اقتصاد نئوکلاسیک**، ترجمه: دکتر سید حسین میرجلیلی، مجله اقتصادی، سال هشتم، شماره ۸۱ و ۸۲، ۱۳۸۷.

برای آگاهی از مفاد نظریه بازی نگاه کنید به: رابرت، کوتر و تامس، یولن، **حقوق و اقتصاد**، ترجمه: دکتر یداله دادگر و حامده اخوان هزاوه، چاپ چهارم، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم، ۱۳۸۹، صص ۶۰-۵۷؛ دکتر یداله، دادگر، **مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد**، چاپ اول، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم، ۱۳۸۹، صص ۳۲۷-۳۰۵.

4. Thomas J.Miceli, Economic of the Law: Torts, Contracts, Property and Litigation, p.16.

۱.۱. حوادث یک‌جانبه و سطوح احتیاط

منظور از حوادث یک‌جانبه آن دسته از حوادثی است که تنها احتیاط و پیش‌بینی آسیب رسانندگان بر خطرهای حادثه اثرگذار است و رفتار زیان‌دیدگان تأثیری ندارد. به منظور بررسی کارایی قاعده مسئولیت محض در حوادث یک‌جانبه ابتدا باید به تعیین سطح بهینه احتیاط که هزینه‌های اجتماعی را به حداقل می‌رساند اقدام شود؛ سطح بهینه اجتماعی احتیاط منعکس‌کننده هزینه‌های اعمال احتیاط و کاهش در خطرات حادثه است.^۱

در اینجا هزینه‌هایی که زیان‌رساننده، بر حسب واحد پولی، جهت اتخاذ اقدام پیشگیرانه متحمل می‌شود با X نشان داده می‌شود؛ $P(x)$ نشان دهنده احتمال وقوع حادثه است و $D(x)$ نمایانگر خساراتی است که زیان‌دیده، بر حسب واحد پولی، متحمل شده است. $D(x)$ و $P(x)$ تابعی از X می‌باشند؛ به این معنا که هرچه اقدام پیشگیرانه‌ای که اتخاذ می‌شود بیشتر باشد احتمال وقوع حادثه و شدت خساراتی که به زیان‌دیده وارد می‌گردد، کاهش می‌یابد؛ در نتیجه خسارات انتظاری نیز کاهش می‌یابد.^۲

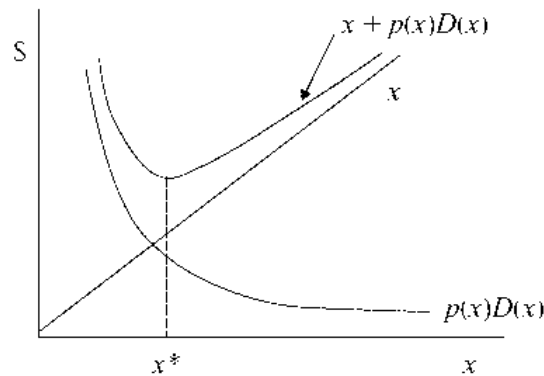
انتخاب X باید به نحوی باشد که هزینه اقدام پیشگیرانه و خسارات انتظاری به حداقل برسد.^۳ راه حل این مسئله در نمودار شماره یک نمایش داده شده است. در این شکل خطی که دارای شیب مثبت است نشان‌دهنده هزینه اقدام پیشگیرانه می‌باشد؛ خسارات انتظاری با منحنی‌ای که دارای شیب منفی است نشان داده شده است و منحنی U شکل نیز نشان‌دهنده هزینه کل می‌باشد. X^* که در پایین‌ترین نقطه منحنی هزینه کل قرار دارد، نشان‌دهنده سطحی از احتیاط است که هزینه اجتماعی را به حداقل می‌رساند. اگر احتیاط اتخاذ شده از سطح مزبور کمتر باشد، آنگاه هزینه نمودن یک واحد پولی بیشتر خسارات مورد انتظار زیان‌دیده را بیشتر از یک واحد پولی کاهش می‌دهد، در نتیجه هزینه اجتماعی کل با اعمال اقدام پیشگیرانه بیشتر کاهش می‌یابد؛ اما

1. Steven Shavell, Foundations of Economic Analysis of Law, p.178.

۲. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که اقدام پیشگیرانه بر حسب تقلیل دادن خطر حادثه منفعت نهایی نزولی دارد (Thomas J. Miceli, The Economic Approach to Law, p.42)؛ به این معنا که اگر نخستین واحد از اقدام پیشگیرانه خطر حادثه را ۶ واحد کاهش دهد، دومین واحد از اقدام پیشگیرانه خطر حادثه را ۴ واحد کاهش می‌دهد. اتخاذ اقدام پیشگیرانه تا سطح مشخصی به کاهش خطر حادثه منتهی می‌شود و از آن سطح به بعد دیگر اثری در کاهش خطر حادثه ندارد. این سطح همان سطح بهینه اجتماعی احتیاط (X^*) است.

3. Thomas J. Miceli, Economic of the Law: Torts, Contracts, Property and Litigation, p.16.

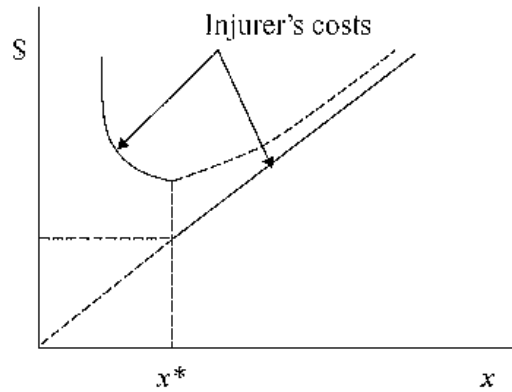
در صورتی که احتیاط اتخاذ شده بیشتر از سطح X^* باشد، هزینه نمودن یک واحد پولی بیشتر خسارات انتظاری زیان دیده را کمتر از یک واحد پولی کاهش می‌دهد، در نتیجه هزینه اجتماعی کل افزایش می‌یابد. سطح بهینه احتیاط در نقطه‌ای واقع شده است که شیب منحنی X با شیب (منفی) منحنی $P(x)D(x)$ برابر باشد. شیب X نشان دهنده هزینه نهایی احتیاط است در حالی که شیب $P(x)D(x)$ نشان دهنده منفعت نهایی احتیاط است.^۱



نمودار شماره یک: به حداقل رساندن هزینه‌های اجتماعی

در صورتی که قاعده مسئولیت محض حاکم باشد، احتیاطی که زیان‌رساننده اعمال می‌نماید به میزان X^* خواهد بود. در واقع در این حالت زیان‌رساننده سطح بهینه اجتماعی احتیاط را انتخاب می‌نماید؛^۲ زیرا، تهدید مسئولیت او را به درونی نمودن کامل خسارات انتظاری زیان دیده وادار می‌نماید. به همین دلیل هزینه‌های زیان‌رساننده در این حالت با هزینه‌های اجتماعی مطلق منطبق است.^۳

1. Thomas J. Miceli, *The Economic Approach to Law*, p.43.
2. Steven Shavell, *Foundations of Economic Analysis of Law*, (p.180); *Economic Analysis of Accident Law*, (p.8); Micheal Faure, *Tort Law and Economic*, *Encyclopedia of Law and Economics*, 2nd, Massachusetts, Edwar Elgar Publishing Limited, 2009, p.10.
3. Thomas J. Miceli, *The Economic Approach to Law*, p.44.



نمودار شماره دو: اعمال احتیاط تحت قاعده تقصیر

همان‌طور که در نمودار بالا نشان داده شده است، در حوادث یک‌جانبه، تحت قاعده تقصیر نیز زیان‌رساننده سطح بهینه احتیاط را اعمال می‌نماید.^۱ در صورتی که سطح احتیاط مقتضی^۲ با سطح بهینه اجتماعی احتیاط برابر باشد، زیان‌رساننده به اتخاذ سطح احتیاطی که به نتیجه مطلوب اجتماعی منتهی می‌شود؛ رهنمون می‌گردد.^۳ علت این امر آن است که اگر زیان‌رساننده سطحی از احتیاط که برابر با X^* است، اتخاذ نماید از تحمل مسئولیت معاف می‌شود. از این‌رو، افزایش احتیاط تا سطح مزبور برای او دارای منفعت است. به علاوه زیان‌رساننده بیش از سطح X^* احتیاط نمی‌نماید؛ زیرا، به این ترتیب متحمل هزینه اضافی می‌شود در حالی که منفعتی بدست نمی‌آورد.^۴

1. A.Mitchell Polinsky & Steven Shavell, Hand Book of Law and Economics, 1st, Voll, London, Elsevier Science B.V, 2007, p.143; Micheal Faure, Tort Law and Economic, Encyclopedia of Law and Economics, p.6.

۲. در صورتی که قاعده تقصیر حاکم باشد، زیان‌رساننده در صورتی مسئول جبران خسارات زیان‌دیده است که مرتکب تقصیر باشد؛ حقوق‌دانان و قانون‌گذاران معیار تقصیر را بر حسب عرف تعیین می‌نمایند: به این معنا که اگر زیان‌دیده احتیاطی کمتر از آنچه که یک انسان متعارف در آن شرایط خاص به کار می‌گیرد، اتخاذ نموده باشد، مسئول جبران زیان‌های وارده است. منظور از احتیاط مقتضی همان احتیاط متعارف است. بنابراین اگر دادگاه‌ها احتیاط مقتضی (متعارف) را برابر با سطح بهینه اجتماعی احتیاط تعیین نماید، قاعده تقصیر نیز به کارایی رهنمون می‌گردد.

3. Steven Shavell, Foundations of Economic Analysis of Law, (p180). Economic Analysis of Accident Law, p.8.

4. Thomas J.Miceli, The Economic Approach to Law, p.45.

با توجه به مراتب فوق، باید به این پرسش پاسخ داده شود که وقتی هر دو قاعده کارآمد است، کدام یک باید حاکم باشد؟

برای پاسخ گفتن به پرسش مزبور باید چند نکته را در نظر داشت:

نخست آنکه اعمال قاعده مسئولیت محض هزینه کمتری به همراه دارد؛ زیرا، زیان دیده تنها به اثبات رابطه سببیت نیاز دارد، درحالی که در دعوایی که بر مبنای قاعده تقصیر اقامه می‌شود، زیان دیده علاوه بر رابطه سببیت باید تقصیر زیان‌رساننده را نیز به اثبات رساند.^۱

نکته دوم این است که گرچه در صورت حکومت قاعده مسئولیت محض، نسبت به قاعده تقصیر، هزینه دعوی کاهش می‌یابد، احتمالاً میزان دعاوی‌ای که مطرح می‌گردد بیشتر خواهد شد. نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که دعوی مسئولیت مدنی به درخواست زیان‌دیده آغاز می‌شود و زیان‌دیده در صورتی به این امر مبادرت می‌نماید که برای وی منفعت داشته باشد؛ به دیگر بیان اگر زیان‌دیده پیش‌بینی نماید که در دعوایی که طرح می‌نماید شکست می‌خورد، آن را در دادگاه مطرح نخواهد نمود. بنابراین در صورتی که قاعده مسئولیت محض حاکم باشد زیان‌دیده در صورتی به طرح دعوا مبادرت می‌نماید که توان اثبات رابطه سببیت را داشته باشد و هزینه اقامه دعوا کمتر از خساراتی باشد که متحمل شده است. اما در صورت حکومت قاعده تقصیر زیان‌دیده علاوه بر در نظر گرفتن دو مورد پیشین، توان خود در اثبات تقصیر زیان‌دیده را نیز در نظر می‌گیرد؛ به همین دلیل از آنجا که وفق تحلیل ارائه شده در بالا، زیان‌رساننده انگیزه کافی جهت اعمال اقدام پیشگیرانه مقتضی (X^*) خواهد داشت، زیان‌دیده اغلب از اقامه دعوا بازداشته می‌شود. بنابراین به موجب قاعده تقصیر وقوع دعوی کمتر مورد انتظار است.^۲

نتیجه‌ای که از نکات فوق برداشت می‌شود این است که مسئولیت محض موجب کاهش هزینه دعوی می‌گردد، درحالی که قاعده تقصیر به طرح دعوی کمتر منتهی می‌شود.

نکته سوم مربوط به موقعیتی است که دادگاه در تعیین سطح احتیاط مقتضی مرتکب اشتباه شود. در این حالت ممکن است زیان‌رساننده احتیاط ناکافی اتخاذ نماید. این ایراد تحت قاعده مسئولیت محض وجود ندارد؛ زیرا، دادگاه به محاسبه استاندارد مقتضی نیاز ندارد.^۳

1. Micheal Faure, Op Cit, p.10.

2. Ibid, p.11.

3. Thomas J.Miceli, The Economic Approach to Law, pp.45-46.

نکته چهارم مربوط به وضعیتی است که دادگاه در برآورد خسارات زیان دیده اشتباه نماید. در این صورت زیان دیده تحت قاعده مسئولیت محض احتیاط ناکافی اعمال می‌نماید. اما تحت قاعده تقصیر، مادام که اشتباه دادگاه در برآورد خسارت فاحش نباشد، با این فرض که سطح بهینه احتیاط درست محاسبه شود، زیان دیده احتیاط کافی اعمال می‌نماید.^۱ با عنایت به مطالب فوق باید گفت در حوادث یک‌جانبه هر دو قاعده مسئولیت محض و تقصیر به صورت یکسان به نتیجه مطلوب اجتماعی منتهی شده و هیچ‌یک بر دیگری رجحان ندارد.^۲

۱.۲. دوم حوادث دوجانبه و سطوح احتیاط

منظور از حوادث دوجانبه آن دسته از حوادثی است که آسیب‌رسانندگان و زیان‌دیدگان می‌توانند با رعایت احتیاط و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از وقوع حادثه جلوگیری به عمل آورند یا خطرات حادثه را کاهش دهند.

در اینجا Y نشان‌دهنده احتیاطی است که زیان‌دیده بر حسب واحد پولی اتخاذ می‌نماید. $P(X, Y)$ نمایانگر احتمال وقوع حادثه است و $D(X, Y)$ خساراتی است که در صورت وقوع حادثه زیان‌دیده، بر حسب واحد پولی، متحمل می‌شود. در اینجا خسارات انتظاری، $P(X, Y)$ $D(X, Y)$ ، تابعی از X و Y است. در این حالت X و Y باید به نحوی ترکیب شوند که هزینه اجتماعی کل به حداقل برسد؛ X^* و Y^* به ترتیب نماینده سطح احتیاط مناسب زیان‌رساننده و زیان‌دیده است.^۳

تحت قاعده مسئولیت محض زیان‌رساننده احتیاطی برابر با X^* ، یعنی سطح بهینه احتیاط را اعمال می‌نماید؛ زیرا، در غیر این صورت مسئول جبران تمام خسارات وارد آمده است. در این حالت زیان‌دیده انگیزه‌ای برای اتخاذ اقدام پیشگیرانه ندارد، زیرا، بنا بر فرض خسارات وی به‌طور کامل جبران می‌شود؛^۴ بنابراین زیان‌دیده احتیاط Y^* را اعمال نمی‌نماید، در نتیجه هزینه‌های اجتماعی کل به حداقل نمی‌رسد.

1. Ibid.

2. Steven Shavell, Foundations of Economic Analysis of Law, p.181. Economic Analysis of Accident Law, p.9.

3. Thomas J. Miceli, Op Cit, pp.46&47.

4. John Prather Brown, Op Cit, p.338.

با توجه به مطالب بالا، باید پذیرفت قاعده مسئولیت محض در حوادث دوجانبه کارآمد نمی‌باشد؛^۱ زیرا، به تحقق اهداف مسئولیت مدنی منتهی نمی‌گردد.^۲ به‌علاوه در این حالت اقدام پیشگیرانه اقتصادی^۳ نیز اتخاذ نمی‌شود و در نتیجه احتمال وقوع حادثه بالا است.^۴

۱.۳. سطوح مختلف فعالیت

همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، به منظور تحلیل شایسته، سطوح فعالیت نیز باید در نظر گرفته شود؛ در واقع باید به این موضوع پرداخته شود که آیا قاعده مسئولیت محض، در فعالیت‌هایی که سطوح مختلف دارد، به اتخاذ سطح بهینه فعالیت و احتیاط رهنمون می‌گردد؟ به‌عنوان مثال تعداد واحدهایی که یک کارخانه تولید می‌نماید به منزله سطح فعالیت است؛ بنابراین باید این موضوع بررسی شود که آیا قاعده بالا، به تولید بهینه کالا و اتخاذ سطح بهینه فعالیت منتهی می‌گردد یا خیر؟

1. John P. Brown, *Economic Theory of Liability Rules*, Donald A. Wittman, 1st, Massachusetts, Blackwell Publishing Limited, 2003, p.38; Cento Veljanovski, *Economic Principle of Law*, New York, Cambridge University Press, 2007, p.205; Thomas J. Miceli, *Economic of the Law: Torts, Contracts, Property and Litigation*, (p.18); Thomas J. Miceli, *The Economic Approach to Law*, p.47.

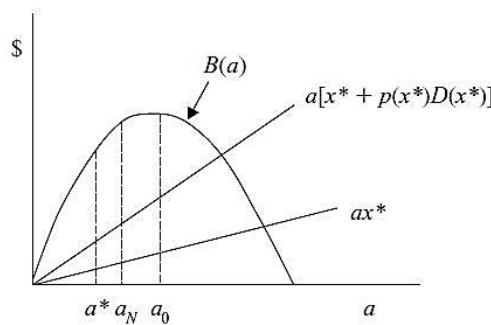
2. Micheal Faure, *Op Cit*, 2009, p.19.

۳. اقدام پیشگیرانه اقتصادی به اقدامی اطلاق می‌شود که هزینه اجتماعی کل را کاهش دهد. در حقیقت از دیدگاه اقتصادی نئوکلاسیک، نقطه بهینه تولید جایی است که هزینه نهایی هر واحد تولید با منفعت حاصل از آن برابر باشد، به دیگر بیان اقدام پیشگیرانه زمانی کارآمد است که $MC=MB$ باشد. (Michael Faure, *Tort Liability*) (in France: an introductory Economic analysis, p.173)؛ پس منابع تولیدی باید به‌گونه‌ای با هم ترکیب شوند که هزینه ناشی از تولید با منفعت ناشی از آن برابر باشد؛ در اینجا منابع تولیدی اقدامات پیشگیرانه‌ای است که زیان دیده و زیان‌رساننده به کار می‌گیرند و محصول پرهیز از حادثه است، منفعت نهایی نیز عبارت از کاهش احتمال وقوع حادثه است. پس ترکیب بهینه آن ترکیبی است که در آن هزینه تولید- هزینه اقدامات پیشگیرانه- برابر با ارزش کاهش احتمال وقوع حادثه باشد. در سطحی پایین‌تر از سطح بهینه، منفعت نهایی ناشی از آخرین اقدام پیشگیرانه بیشتر از هزینه نهایی آن اقدام پیشگیرانه است. هنگامی که سطحی پایین‌تر از سطح مناسب اقدام پیشگیرانه اتخاذ شود، می‌توان گفت اقدام پیشگیرانه بیشتری می‌توانست به کار گرفته شود و می‌بایست اتخاذ می‌گردید، لکن طرفین حادثه به این صورت عمل نکرده‌اند.

۴. با این وجود برخی از تحلیل‌گران حقوق و اقتصاد معتقدند در حوادث دوجانبه‌ای که تأثیر فعالیت زیان‌زننده در وقوع حادثه بیش از زیان دیده است، قاعده مسئولیت محض، قاعده‌ای کارآمد است:

Landes, W., & Posner, R. *Positive Economic Theory of Tort Law*. *Georgia Law Review*, 15, 1981, p.907. (Cited in: Michael Faure, *Tort Liability in France: an introductory Economic analysis*, p.173).

اگر a نشان دهنده سطح فعالیت زیان‌رساننده باشد، منفعتی که از فعالیت بدست می‌آورد برابر با $B(a)$ خواهد بود. همان‌گونه که در نمودار ذیل مشاهده می‌شود در نقطه a سطح فعالیت زیان‌رساننده به حداکثر خود می‌رسد. بنابراین در صورتی که فعالیت به حادثه زیان‌بار منتهی نگردد، زیان‌رساننده این سطح فعالیت از فعالیت را انتخاب می‌نماید، سطح مزبور همان سطح کارآمد فعالیت است.^۱



نمودار شماره سه: سطوح مختلف فعالیت زیان‌رساننده تحت قواعد مختلف مسئولیت

خسارات انتظاری و هزینه‌های احتیاط با سطح فعالیت زیان‌رساننده متناسب است؛ به این معنا که به تناسب افزایش سطح فعالیت، خسارات انتظاری و هزینه‌های احتیاط نیز افزایش می‌یابد: برای مثال اگر شخص تعداد مایل‌هایی که رانندگی نموده است دو برابر کند، خسارات انتظاری و هزینه‌های احتیاط نیز دو برابر می‌گردد.^۲ به این ترتیب هزینه‌های انتظاری حادثه برابر با $a[X+P(X)D(X)]$ خواهد بود.

زیان‌رساننده باید سطح فعالیت و احتیاط را به نحوی ترکیب نماید که منافع خالص او به حداکثر برسد: $B(a)-a[X+P(X)D(X)]$ ^۳؛ در نتیجه زیان‌رساننده برای به حداکثر رساندن منفعت خود باید نخست: سطحی از فعالیت را انتخاب نماید که هزینه‌های انتظاری را به حداقل برساند، با فرض متناسب بودن هزینه‌های انتظاری با سطح فعالیت، سطح بهینه احتیاط (X^*) مستقل از سطح فعالیت است. به این ترتیب زیان‌رساننده باید در هر مرتبه که به فعالیت می‌پردازد، سطح

1. Thomas J. Miceli, *The Economic Approach to Law*, p.66.

2. Steven Shavell, *Foundations of Economic Analysis of Law* 193; Steven Shavell, *Economic Analysis of Accident Law*, p.21.

3. Thomas J. Miceli, *The Economic Approach to Law*, p.66.

بهینه احتیاط را اعمال نماید. برای مثال یک ماشین سوار باید برای هر سفر با دقت رانندگی نماید؛ یا تولیدکننده می‌بایست در تولید هر واحد از کالا تمامی جوانب احتیاط را رعایت نماید. مسئله دوم انتخاب سطح بهینه فعالیت، a^* ، با فرض بهینه بودن سطح احتیاط است. همان‌گونه که در شکل بالا ملاحظه می‌گردد، سطح بهینه فعالیت در نقطه‌ای واقع شده است که شیب دو منحنی $B(a)$ و $a[X^*+P(X^*)D(X^*)]$ برابر باشد؛^۱ به دیگر بیان سطح بهینه فعالیت در نقطه‌ای واقع شده است که منفعت نهایی برابر با هزینه نهایی است.^۲

برای اینکه یک شخص سطح بهینه فعالیت را انتخاب نماید، باید هزینه‌های کامل حادثه را متحمل شود.^۳ به همین جهت در حوادث یک‌جانبه تحت قاعده مسئولیت محض، زیان‌رساننده سطح بهینه فعالیت اجتماعی را انتخاب می‌نماید؛ زیرا، خسارات زیان‌دیده را کاملاً درونی می‌نماید؛^۴ در نتیجه منافع خصوصی او منطبق بر منافع اجتماعی است.^۵

در حوادث دوجانبه نیز، تحت قاعده مسئولیت محض، زیان‌رساننده سطح بهینه فعالیت اجتماعی را انتخاب می‌نماید. اما زیان‌دیده به این صورت عمل نمی‌نماید؛ زیرا، به‌طور کامل جبران خسارت می‌شود و به همین دلیل خسارات ناشی از حادثه را درونی نمی‌نماید.^۶

1. Ibid, p67.

۲. نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که سطح بهینه فعالیت اجتماعی کمتر از سطحی است که جمع کل منافع به حداکثر می‌رسد $B(a)$ ($a^* < a$)؛ زیرا، مورد اخیر به‌وسیله هزینه‌های حادثه حساب نمی‌شود.

3. Thomas J.Miceli, Economic of the Law: Torts, Contracts, Property and Litigatiou, p.29.

۴. در حوادث یک‌جانبه وقتی که سطوح فعالیت در نظر گرفته شود، قاعده مسئولیت محض به انتخاب سطح بهینه فعالیت اجتماعی و سطح بهینه احتیاط منتهی می‌گردد؛ لیکن قاعده تقصیر به انتخاب سطح بهینه فعالیت اجتماعی منتهی نمی‌گردد:

Thomas J.Miceli, The Economic Approach to Law, p.67.; A.Mitchell Polinsky & Steven Shavell, Op Cit, pp.146-147.

5. Thomas J.Miceli, The Economic Approach to Law, p67.

۶. در حوادث دوجانبه‌ای که سطوح فعالیت نیز در نظر گرفته می‌شود، هیچ‌یک از قواعد مسئولیت به کارایی منتهی نمی‌گردد؛ زیرا، تحت قواعد مسئولیت امکان ندارد هر دو طرف حادثه هم‌زمان خسارات کامل حادثه را متحمل شوند:

Micheal Faure, Op Cit, pp.21-2; A.Mitchell Polinsky & Steven Shavell, Op Cit, p.147; Steven Shavell, Strict Liability Versus Negligence, The Journal of Legal Studies, Vol9, No.1, Jaauary, 1980, p.7.

۲. قاعده مسئولیت محض در حقوق ایران

در قسمت پیشین قاعده مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت و به این پرسش پاسخ داده شد که قاعده مزبور در چه مواردی به کارایی منتهی می‌گردد و در نتیجه باید حاکم باشد. در این قسمت قاعده مسئولیت محض در حقوق ایران تحلیل می‌گردد؛ به این منظور ابتدا به این موضوع پرداخته می‌شود که در حقوق ایران قاعده مسئولیت محض در چه مواردی حاکم است؛ در گام بعدی با عنایت به مطالب پیش گفته به این پرسش که آیا حکومت قاعده مسئولیت محض در این موارد به کارایی منتهی می‌گردد یا خیر پاسخ گفته می‌شود:

۲.۲. موارد حکومت قاعده مسئولیت محض در حقوق ایران

پیش از تبیین موارد حکومت قاعده مسئولیت محض در حقوق ایران باید به دو نکته توجه داشت؛ نخست آنکه در قوانین و نوشته‌های حقوق دانان ایرانی، قاعده مسئولیت محض تعبیری ناشناخته است؛ به بیان روشن‌تر در ادبیات حقوقی ما، از قاعده مسئولیت مطلق سخن گفته شده و قاعده مسئولیت محض مترادف با قاعده پیشین است. با این وجود در این نوشتار از تعبیر قاعده مسئولیت استفاده شده است.^۱ نکته دوم اینکه بررسی قاعده مسئولیت محض در حقوق ایران از جمله مباحث دشوار مسئولیت مدنی است؛ علت دشواری مزبور این است که در حقوق ایران قانون مسئولیت مدنی جامعی وجود ندارد و هیچ‌یک از قواعد مسئولیت مدنی به‌عنوان قاعده تبیین نگردیده است. از این‌رو، برای شناخت مواردی که قاعده مورد بحث حاکم است باید به استقراء پرداخت؛ در نتیجه مواردی که به‌عنوان حکومت قاعده مسئولیت محض بیان می‌شود جنبه تمثیل دارد.

در قانون مدنی، وفق ماده ۳۲۸، هر کس مال غیر را تلف نماید ضامن است و باید خسارات وارده را جبران نماید. در اینجا نیازی به اثبات تقصیر زیان رساننده نیست، در حقیقت اگر بین تلف مال

۱. به نظر می‌رسد قاعده مسئولیت مطلق و مسئولیت محض تفاوتی طریف دارند و لذا باید از مترادف دانستن این دو عبارت پرهیز شود؛ در مسئولیت محض برای مسئول دانستن زیان‌رساننده نیازی به اثبات تقصیر وی نیست، اما باید رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و حادثه احراز گردد. برای مثال وفق ماده ۳۲۸ قانون مدنی هر کس مال دیگری را تلف نماید، ضامن است مشروط بر آنکه بین فعل زیان‌بار و تلف، رابطه سببیت احراز شود. لکن در مسئولیت مطلق نیازی به احراز رابطه سببیت نیست، مثال بارز مسئولیت مطلق در حقوق ایران غصب است؛ در غصب، همواره غاصب مسئول زیان‌هایی که به مال مغضوب وارد شده است، هر چند که تلف مستند به فعل او نباشد (ماده ۳۱۵ همان قانون). در نتیجه به نظر می‌رسد باید این دو قاعده را متفاوت دانست و هر یک را در جای خود به کار برد.

و فعل زیان بار رابطه سببیت برقرار باشد، زیان رساننده مسئول جبران زیان‌هایی است که از تلف مال ناشی شده است. از این رو، مسئولیتی که در این ماده پیش‌بینی شده است، مبتنی بر مسئولیت محض است.

به نظر می‌رسد، ماده ۳۸۶ قانون تجارت نیز مبتنی بر همین قاعده است؛ وفق ماده مزبور، در صورتی که کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسئول جبران خسارات وارده است، مگر آنکه اثبات نماید خسارات وارده مستند به فعل او نیست.^۱ بنابراین می‌توان پذیرفت که در اینجا نیز مسئولیت مبتنی بر قاعده مسئولیت محض است.

در قانون مجازات اسلامی نیز در برخی از موارد قاعده مسئولیت محض حاکم است. برای مثال به نظر می‌رسد حکم ماده ۳۱۹، بر اساس همین قاعده باشد؛ در واقع در اینجا بین فعل پزشک و تلف جان یا نقص عضو رابطه سببیت حاکم است. همچنین می‌توان پذیرفت که در مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ همین قاعده حکومت دارد. در این مواد تنها وجود رابطه سببیت برای مسئول دانستن زیان‌رساننده کافی است و نیازی به اثبات تقصیر او نیست.

۲.۳. کارایی قاعده مسئولیت محض در حقوق ایران

در این قسمت باید به این پرسش پاسخ گفت که آیا قاعده مسئولیت محض در مواردی که حاکم است به کارایی منتهی می‌گردد یا خیر؟ برای پاسخ دادن به پرسش مزبور، باید به این نکته توجه داشت که هرچند در ابتدا مواردی که در آن قاعده مسئولیت محض حاکم است، پراکنده به نظر می‌رسد ولی در واقع چنین نیست؛ در حقیقت مطالعه موارد مزبور به این نتیجه منتهی می‌گردد که در حقوق ایران، مسئولیت محض در مواردی حاکم است که فعل زیان‌بار به تلف منتهی گردد؛ اعم از اینکه تلف مزبور مربوط به جان انسان یا اموال باشد و در حالت اخیر نیز اعم از اینکه فعل

۱. همان‌طور که در متن اشاره رفت وفق ماده ۳۸۶ قانون تجارت در صورتی که کالا تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول جبران خسارات وارده است، «مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال‌التجاره یا مستند به تقصیر ارسال‌کننده و یا مرسل‌الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده‌اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ‌متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید...» اثبات موارد مزبور در حقیقت به این معنا است که بین خسارات وارده و فعل متصدی حمل و نقل رابطه سببیت وجود ندارد؛ به دیگر سخن اگر بین خسارات وارده و فعل متصدی حمل و نقل رابطه سببیت وجود داشته باشد، در هر حال متصدی حمل و نقل ضامن است. به همین جهت گفته شد در این ماده مسئولیت مبتنی بر قاعده مسئولیت محض است.

زیان بار به تلف عین مال یا منافع آن منتهی گردد. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان پرسش مطروح را به شرح ذیل تغییر داد:

آیا در مواردی که فعل زیان بار به تلف مال یا جان انسان منتهی می‌گردد، قاعده مسئولیت محض باید حاکم باشد؟ به دیگر سخن آیا در این موارد از رهگذر قاعده مسئولیت محض می‌توان به کارایی و تحقق اهداف مسئولیت مدنی رسید؟

برای پاسخ گفتن به این پرسش باید به سه نکته توجه نمود:

۱. در مسئولیت مدنی حوادث به دو گروه یک‌جانبه و دوجانبه تقسیم می‌گردد؛ به‌علاوه در هر یک از این دو گروه نیز سطوح مختلف احتیاط و فعالیت باید در نظر آورده شود.
۲. قاعده مسئولیت محض همواره به کارایی منتهی نمی‌شود؛ به‌طور کلی در حوادث دوجانبه قاعده مسئولیت محض به کارایی منتهی نمی‌گردد، اما در حوادث یک‌جانبه به‌طور کلی این قاعده به کارایی منتهی می‌گردد.
۳. در حقوق ایران، در هیچ‌یک از مواردی که قاعده مسئولیت محض حاکم است به تقسیم‌بندی مزبور توجه نشده است؛ به دیگر بیان در مواردی که بررسی گردید، صرف نظر از اینکه حادثه یک‌جانبه یا دوجانبه است و نیز صرف نظر از سطوح مختلف احتیاط و فعالیت، قاعده مسئولیت محض همواره حاکم است.

با عنایت به مطلب بالا، می‌توان گفت در حقوق ایران قاعده مسئولیت محض به کارایی منتهی نمی‌شود؛ زیرا، در موارد بررسی شده و درحالی‌که حادثه دوجانبه است، نیز این قاعده حاکم است. به منظور توضیح این مطلب مثالی آورده می‌شود: در حقوق ایران وفق ماده ۳۳۱ قانون مدنی، اگر شخصی سبب تلف مال دیگری شود، مسئول جبران خسارات وارده است هرچند مرتکب تقصیر نگردیده باشد. حال فرض نمایید یک کارخانه تولیدی در مجاورت روستایی فعالیت می‌نماید و تمامی اقدامات ایمنی لازم را اتخاذ نموده است (سطح بهینه فعالیت و سطح بهینه اجتماعی احتیاط را انتخاب نموده است)؛ لیکن کشاورزان اقدامات ایمنی لازم را رعایت ننموده و مزارع خود را در نزدیکی کارخانه دایر کرده‌اند. در اینجا، اگر فعالیت کارخانه موجب تلف محصولات کشاورزی گردد، صاحب کارخانه ملزم به جبران خسارات وارده بر کشاورزان می‌باشد؛ زیرا، بین فعالیت کارخانه و تلف محصولات، رابطه سببیت وجود دارد، بنابراین صاحب کارخانه باید خسارات وارده را جبران نماید، هرچند مرتکب تقصیر نشده است. بدیهی است در چنین حالتی صاحب کارخانه برای کاهش مسئولیت خود مجبور به اتخاذ سطح احتیاطی فراتر از سطح بهینه آن

می‌شود؛ علاوه بر این سطح فعالیت نیز به سطحی پایین‌تر از سطح بهینه فعالیت تنزل می‌یابد و در نتیجه کارایی حاصل نمی‌شود. در حقیقت در چنین مواردی نمی‌توان از ظرفیت‌های تولیدی جامعه استفاده بهینه نمود و به این ترتیب خسارات قابل توجهی بر پیکره اقتصادی جامعه وارد می‌آید.

با توجه به مطالب بالا، و با عنایت به اینکه در حقوق ایران قاعده مسئولیت محض در حوادث دو جانبه نیز حاکم است، باید پذیرفت که در بخش قابل توجهی از حوادث، کارایی محقق نمی‌گردد. از آنچه ذکر شد این نتیجه حاصل می‌گردد که حقوق ایران در این زمینه باید اصلاح گردد: به این معنا که، به‌طور کلی، در حوادث یک‌جانبه قاعده مسئولیت محض حاکم باشد. لکن در حوادث دو جانبه حکومت این قاعده قابل پذیرش نیست؛ زیرا، وفق تحلیل ارائه شده نه تنها به کارایی منتهی نمی‌گردد، بلکه در مواردی خسارات جبران‌ناپذیری بر پیکره اقتصادی جامعه وارد می‌آورد.

نتیجه گیری

این نوشتار در دو قسمت اصلی ارائه گردید؛ در قسمت نخست قاعده مسئولیت محض به طور کلی مورد بررسی قرار گرفت و در قسمت دوم این قاعده در حقوق ایران مورد مذاقه قرار گرفت: از تحلیلی که در قسمت نخست ارائه شد نتایج ذیل بدست می آید:

در حوادث دوجانبه، اعم از اینکه سطح فعالیت در نظر گرفته شود یا مورد لحاظ واقع نشود، قاعده مزبور به کارایی منتهی نمی شود.

در حوادث یک جانبه، صرف نظر از سطح فعالیت، قاعده پیش گفته به کارایی منتهی می شود؛ در عین حال در همین فرض قاعده تقصیر نیز قاعده ای کارآمد به شمار می آید و همان طور که ملاحظه گردید در این فرض هیچ کدام بر دیگری رجحان ندارد. در حوادث یک جانبه ای که سطح فعالیت از اهمیت برخوردار است، قاعده مسئولیت محض بر خلاف قاعده تقصیر به کارایی منتهی می شود.

از تحلیل قاعده مسئولیت محض در حقوق ایران نیز این نتیجه حاصل گردید که قاعده مزبور به کارایی منتهی نمی گردد؛ زیرا، در موارد حکومت قاعده فوق، به انواع حوادث و نیز سطوح فعالیت و احتیاط توجه نشده است؛ بدیهی است این غفلت موجب عدم کارایی قاعده مزبور در بخش گسترده ای از حوادث است. به همین دلیل پیشنهاد گردید، حکومت قاعده مسئولیت محض به حوادث یک جانبه محدود گردد؛ زیرا، حاکم بودن قاعده مزبور در حوادث دوجانبه به کارایی منتهی نشده و در مواردی خسارات جبران ناپذیری وارد می آورد.

فهرست منابع

۱. دادگر، یداله، ۱۳۸۹، **مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد**، چاپ اول، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم.
۲. کوتر، رابرت و تامس، یولن، **حقوق و اقتصاد**، ترجمه: یداله دادگر و حامده اخوان، چاپ هشتم، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم.
۳. وینتراب، روی، ترجمه: حسین میرجلیلی، مجله اقتصادی، سال هشتم، شماره ۸۱ و ۸۲، ۱۳۸۷.
4. Faure, M, 2009, Tort Law and Economic, Encyclopedia of Law and Economics, 2nd, Massachusetts, Edwar Elgar Publishing Limited, Michael Faure, Tort Liability in France: 2004, an introductory Economic analysis, The Economic of Legal Relationship: Law & Economic in Civil Law Countries, Bruno Deffains & Thierry Kirat, London, Elsevier Science B.V.
5. John P. Brown, J.P., 2003, Economic Theory of Liability Rules, Donald A. Wittman, 1st, Massachusetts, Blackwell Publishing Limited.
6. John Prather Brown, Toward an Economic Liability Rule, The Journal of Legal Studies, 1973, Vol2, No.2, Chicago, Chicago University Press.
7. LandKes, W., & Posner, 1981, R. Positive Economic Theory of Tort Law. Georgia Law Review, 15.
8. Miceli, J., 1997 Economic of the Law: Torts, Contracts, Property and Litigation, New York, Oxford University Press.
9. Miceli, J., 2004, The Economic Approach to Law, 1st, California, Stanford University press,
10. Polinsky, M, Steven Shavell, 2007, Hand Book of Law and Economics, London, Elsevier Science B.V, 2007.
11. Shavell, S, 2004, Foundations of Economic Analysis of Law, Massachusetts, Harvard University Press, Steven Shavell, Strict Liability Versus Negligence, The Journal of Legal Studies, Vol9, No.1, Jaauary, 1980.
12. Shavell, S, 2007, Economic Analysis of Accident Law, Massachusetts, Harvard University Press
13. Veljanovski, C, 2007, Economic Principle of Law, New York, Cambridge University Press.